



کودکان و مهارت‌های اجتماعی

علی اکبری زاده

مقدمه:

توجه هر چه بیشتر دانشمندان قرار گرفته است. از میان نظریه‌های روان‌شناختی، نظریه یادگیری اجتماعی بیشتر به این مسأله پرداخته است. مهارت‌های اجتماعی شامل مهارت در تشخیص خصوصیات گروه، مهارت در ارتباط با دیگری، مهارت در گوش دادن، مهارت در همدردی، مهارت در ارتباط غیرکلامی و مهارت در تشخیص احساسات خویش است. این مهارت‌ها که در برخی از ویژگی‌های خود با یکدیگر وجوه مشترک دارند، از جهات دیگر دارای عناصر مخصوص به خود هستند.

مهارت اجتماعی استعدادی است که باعث بروز رفتارهایی می‌شود که به صورت مثبت یا منفی تقویت می‌شوند و نه رفتارهایی که مورد تنبیه واقع می‌شوند یا توسط دیگران خاموش می‌گردند. این مهارت‌ها می‌توانند در روابط آدمی با دیگران منجر به نتایج مثبت و موفقیت‌آمیز شوند. اگر چه کسب مهارت‌های اجتماعی یکی از عناصر اساسی اجتماعی شدن آدمی در کلیه فرهنگها بوده، لیکن در دو سه دهه اخیر مورد

"الیوت و "گرشام" (۱۹۹۳) مهارت‌های اجتماعی را این چنین تعریف می‌کنند:

"رفتارهای انطباقی یاد گرفته شده‌ای که فرد را قادر می‌سازند تا با افراد دیگر روابط متقابل داشته باشد و از خود پاسخهای مثبت بروز دهد و همچنین از رفتار نامناسب اجتناب کند.

محققان فوق مهارت‌های اجتماعی را به پنج طبقه تقسیم می‌کنند که هر یک به نوبه خود باعث تسهیل برقراری رابطه بین افراد و بخصوص کودکان می‌شود. این تقسیم‌بندی به قرار زیر است:

۱- همکاری: که رفتارهایی چون کمک به دیگران و شرکت در امور مختلف را شامل می‌شود.

۲- گفتار مناسب: که رفتارهایی از قبیل: تقاضا کردن و پاسخ دادن آشکار را شامل می‌شود.

۳- مسئولیت‌پذیری: که در ارتباط با بزرگسالان و حفظ اموال خود است.

۴- همدلی: که رفتارهایی از قبیل احساس محبت و همدردی را در بر می‌گیرد.

۵- خویشتنداری و تحمل کردن است. که شامل رفتارهایی از قبیل صبور بودن و تحمل کردن است.

علل نقص در مهارت‌های اجتماعی

در بررسی علل نقص در مهارت‌های اجتماعی، نظریات متعددی وجود دارد. از دیدگاه‌های متفاوت می‌توان به نظر "گرشام" و "الیوت" اشاره کرد که پنج علت را برای نقص در مهارت‌های اجتماعی ذکر کرده‌اند: فقدان دانش کافی، عدم تمرین و بازخورد کافی، عدم دریافت تقویت، مسائل رفتاری و در نهایت عدم

فرصت کافی؛ که این عوامل همگی به نوعی منجر به نقص در مهارت‌های اجتماعی می‌شود. پس برای آموزش مهارت‌های اجتماعی باید هر پنج علت را در نظر گرفت و در برنامه آموزشی گنجانید.

روشهای آموزش مهارت‌های اجتماعی

منشاء اغلب روشهای آموزش مهارت‌های اجتماعی نظریه‌های کنشی و یادگیری اجتماعی است، که با وجود تفاوت‌های موجود میان آنها همگی در چهار فرایند اساسی مشترکند. "مایزولد" این فرایندها را تحت عنوان متغیرهای آموزشی مورد بررسی قرار می‌دهد. این عوامل عبارتند از:

۱- آموزش

۲- تکرار و تمرین

۳- بازخورد و تقویت

۴- فرایندهای کاهش‌گرا

در این تحقیق نیز براساس فرایند مطرح شده توسط مایزولد، به بررسی آموزش مهارت‌های اجتماعی پرداخته می‌شود.

آموزش مهارت‌های اجتماعی

برای بهبود مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان از چندین روش استفاده می‌شود (اسکومکروهیزل، ۱۹۸۴)، که یکی از فنون مورد نظر، دستکاری مهارت‌ها، مبتنی بر تحلیل تکلیف برای افزایش فراوانی رفتار اجتماعی است. برای مثال با تغییر رویدادهای محیطی می‌توان احتمال وقوع رفتار مناسب اجتماعی را در آینده افزایش داد و یا اینکه با دستکاری محیط باعث کاهش احتمال وقوع رفتار نامناسب اجتماعی شد. در این شیوه‌ها از

مداخله‌های آموزش مهارت‌های اجتماعی به کار ببریم، موفق‌تر خواهیم بود (هیزل ۱۹۸۴). اخیراً مهارت‌های اجتماعی را توسط برنامه‌های درسی نیز به دانش‌آموزان آموزش می‌دهند. "کارتلیج"، "فرد" و "زاهرس" ۱۹۸۵ و "ماگ" (۱۹۸۹) خاطر نشان می‌کنند که اصول اساسی آموزش مهارت‌های اجتماعی، باید مبتنی بر رفتارهایی باشد که آموزش آنها برای سازگاری فرد با محیط مؤثر واقع شود و ارزش یادگیری برای کودک داشته باشد. پژوهشگران فوق بر اهمیت یادگیری و یاددهی مهارت‌های اجتماعی و انتخاب نوع خاصی از رفتار برای سازش دهی کودک با محیط تأکید می‌ورزند و خاطر نشان می‌کنند که به منظور پرورش تعامل همسالان با همدیگر، ابتدا باید مهارت‌های بازی و گفت‌وگوی غیررسمی آنها را مورد بررسی قرار داد و طرح مناسبی فراهم کرد. برای مثال برنامه درسی مهارت‌های اجتماعی که در زیر می‌آید شامل چهار زمینه اساسی می‌باشد:

۱- برای غنی‌سازی یک گفت‌وگوی مؤثر، ابتدا باید به کودک نحوه گوش دادن مناسب، معرفی کردن خود، استفاده از حرکات بدن به عنوان زبان، پاسخ دادن به سؤالات دیگران، قطع کردن سخن دیگران به صورت مؤدبانه، سلام و احوالپرسی آموزش داد تا زمینه برای یک گفت‌وگوی مناسب فراهم شود.

۲- برای دست یافتن به مهارتهایی در زمینه دوست‌یابی باید مراحلی همچون سلام کردن، تشکر کردن، شکایت پیش کسی بردن، انتقادپذیر بودن، مشارکت در فعالیتهای گروهی، پیشقدم شدن در تعاملات با دیگران و کمک به دیگران را به کودکان آموزش داد.

۳- برای رویارویی با موقعیتهای دشوار نیز

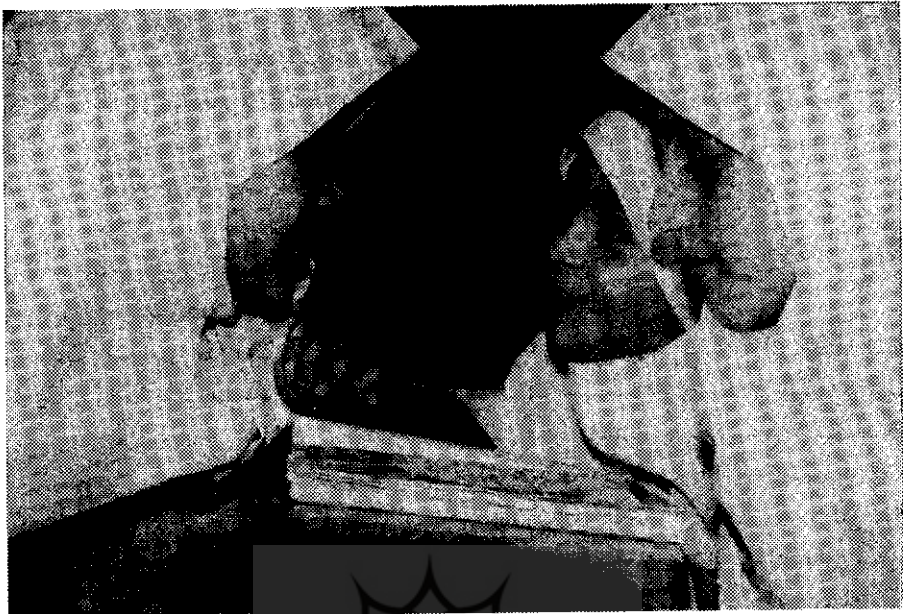
رویکردهایی استفاده می‌شود که به کمک آن می‌توان فرد را واداشت تا مسؤولیت پیامد یک رفتار ویژه را متقبل شود و با کاربرد نظام ارزیابی خود، این روند اجرا می‌شود. از دیگر فنون آموزش شناختی برای یاری دهی، خودکنترلی رفتار است که در این راستا می‌تواند موجب کاهش رفتارهای نامناسب اجتماعی شود. همچنین با آموزش مستقیم می‌توان باعث رشد مهارت‌های اجتماعی بین فردی شد. در این مسیر "اسکومکروهیزل" (۱۹۸۴) چهار نوع از مداخلات آموزشی را ذکر می‌کنند که برای تسهیل اکتساب مهارت‌های اجتماعی مورد استفاده قرار گرفته‌اند:

۱- توضیح مقدماتی که به صورت شفاهی توسط معلم و نحوه عملکرد مناسب مهارتها بیان می‌شود.

۲- نمایش تقلیدی از مهارت‌های اجتماعی که هم می‌تواند توسط الگوهای طبیعی و هم توسط فیلم، ویدئو و غیره اجرا شود.

۳- به دانش‌آموز گفته می‌شود که قدمهای متوالی یادگیری یک مهارت اجتماعی مورد آموزش را به صورت کلامی تکرار نماید تا مراحل آموزش در حافظه کودک جا بگیرد و اجرای آن در وقت‌های دیگر برای کودک قابل یادآوری باشد. برای مثال فعالیتهای ایفای نقش از مواردی است که به یادگیرنده کمک می‌کند که کوششهای منظمی را برای کسب مهارت‌های اجتماعی از خود نشان دهد.

۴- در ادامه مرحله سوم، پس‌خوراند کلامی به دانش‌آموز داده می‌شود تا نکاتی که در آن دچار ضعف است برای او شناخته شود و برای بهبود، قدمهای مورد نظر برداشته شود. اما اگر تلفیقی از روشهای فوق را به عنوان



دانش آموزان فرصتی فراهم نمایند تا به بیان احساسات خود بپردازند و از ناکامیهای آنها در دنیای واقعی کاسته شود.

ایفای نقش :

در ایفای نقش، دانش آموزان خود را در قالب یک شخصیت دیگر تصور می کنند و با یک رویداد کوچک به فعالیت و مقابله می پردازند . فرایند ایفای نقش شامل چهار مرحله است :

۱- در مرحله اول یک مسأله ویژه شناسایی می شود. برای مثال : مشکلات یک کلاس درس یا تعارضات و درگیریهای شخصی مد نظر قرار می گیرد.

۲- در این مرحله بعد از توضیح "مسأله ویژه" نقش ها شکل گرفته (انتخاب شده) و به **لطفاً ورق بزنید**

باید مهارتهایی از جمله انتقاد کردن، پذیرفتن جواب منفی دیگران، حاضر جواب بودن در مقابل تمسخر دیگران، مقاومت در مقابل فشار همسالان و معذرت خواهی کردن را به کودکان آموزش داد.

۴- برای دست یافتن به مهارتهای حل مسأله ، باید مهارتهایی از جمله مذاکره کردن، استدلال کردن ، متقاعد ساختن، کمک خواستن و تقاضای راهنمایی را به کودکان آموخت .

روشهای طرح ریزی شده

معلمان می توانند روشهای تنظیم شده گوناگونی را برای تشویق و دلگرمی دانش آموزان خود به کار برند و نحوه ابراز وجود و بیان عواطف را به آنها آموزش دهند. برای مثال فعالیتهای خلاقانه ای همچون : ایفای نقش و اجرای نمایش عروسکی می توانند برای

۴- تفسیر و نتیجه گیری : در این مرحله به نقشها یا رفتارها بیشتر از موقعیت نقش‌پذیری دانش‌آموزان توجه می‌شود و آنها ضمن ایفای نقش ، با عکس‌العمل دیگران مواجه شده، راههایی را برای مقابله با موقعیتهای مشابه فرا می‌گیرند.

نمایش عروسکی:

عروسکها می‌توانند به دانش‌آموزان کمک کنند تا احساسات و هیجانات خود را به خوبی بیان کنند. داستانهای جن و پری و شخصیت‌های موجود در این قصه‌ها (از جمله پادشاهان، جادوگران ، گولها و حیوانات) به کار گرفته می‌شود تا تجارب هیجانی آدمها را نمایش دهند. دانش‌آموزان به وسیله دست عروسکهایی را درست می‌کنند و بر روی صحنه ظاهر می‌شوند. با توجه به اینکه عروسکها در تأثیر موقعیت امن و به دور از تهدید هیجانی را فراهم می‌کنند، موجب می‌شوند تا کودکان بتوانند براحتمی در کار نمایش درگیر شده، به ابراز عقیده و احساسات خود بپردازند و بعد از نمایش عروسکی، راه‌حلهای ممکن برای مسأله ارائه شده مورد بحث و تفسیر قرار می‌گیرند.

دانش‌آموزان مختلف سپرده می‌شود. دانش‌آموزان باید بطور داوطلبانه نقشها را انتخاب کنند و هیچ‌گونه اجباری برای پذیرفتن یک نقش خاص وجود نداشته باشد.

۳- در اجرای نقش واقعی، روند کار باید کاملاً خلاصه و کوتاه باشد و همین شیوه برای دانش‌آموزان مختلف باید بارها تکرار شود و در این میان دانش‌آموزان راه‌حلهای مختلفی را برای یک مسأله منفرد مطرح می‌کنند.



منابع مورد استفاده :

- 1-ELLIOTT, S.N.& GERSHAM, F.M.(1993). SOCIAL SKILLS INTERVENTION FOR CHILDREN BEHAVIOR MODIFICATION 17,287 - 309
- 2-GECIL D. MERCER, MERCER ANN R.(1993). TEACHING STUDENTS WITH LEARNING PROBLEMS NEWYORK MACMILLAN PUBLISHING COMPANY.
- 3-HEALEY.K.N.,& MASTERPASQUA,F.(1992).INTERPERSONAL COGNITIVE PROBLE-SOLVING AMONG CHILDREN WITH MIB MENTAL RETARDATION. AMERICAN JOURNAL OF MENTAL RETARDATION. 96,367-372